



گزارش «ایران» از مراکز «شوق زندگی» سازمان بهزیستی

اینجا کودکی دادگاهی نمی شود

گزارش

سمیه افشین فر

خبرنگار

آمنه افتتاح می شود که کار مشترکی با محویت دادسراست، یعنی تکالیفی که بر عهده سازمان بهزیستی است با هماهنگی دادسرا از سایر دستگاه‌ها مطالبه می‌شود تا پای هیچ کودکی به محاکم قضایی باز نشود، این مراکز حمایتی و قضایی در حقیقت بستر جدیدی برای آموزش و حمایت‌های اجتماعی از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست هستند تا مسیر شکوفایی این کودکان هموارتر و چهره شهر نیز زیباتر شود.

پهن‌ماه سال گذشته «پردیس توانمندسازی و مجتمع شوق زندگی بعثت تهران» برای رسیدگی جدی، همه‌جانبه و سریع‌تر به وضعیت کودکان کار در خیابان‌های تهران به بهره‌برداری رسید. در مرکز شوق زندگی بعثت با الیاس ۱۶ ساله هم‌کلام می‌شوم که با چهره‌ای آفتاب‌سوخته در کلاس موسیقی در کنار سازهای مختلف تمرین تنبک می‌کند. او تا کلاس سوم بیشتر درس نخوانده است، یعنی دوست داشته بخواند اما مجبور بوده کار کند. از همان بچه‌هایی است که سریک چهارراه سازی در دست دارد. اهل یکی از استان‌های جنوبی است. دو هفته‌ای است که او را به این مرکز آورده‌اند و حالا منتظر است روزها از آن جمعیتی تحت عنوان مشخص شود. تنبک را به دست می‌گیرد و می‌زند، ریتم

تنبکاش هم غم دارد، از آرزوهایش برای آینده می‌پرسم، می‌خواهد خلبان شود، دستاوش ضربه می‌زند و ذهن‌اش در آسمان رویاهايش به پرواز در می‌آید، حالا او من می‌پرسد «به نظرت خلبانی به من می‌آید؟»

قدیمی‌انورتر، پسری با لبخندی که بر لب دارد مرا به سمتش می‌کشد، امیرمهدی ۱۴ ساله است تا همین ۲۵ روز قبل پشت چراغ قرمز گل می‌فروخته و روزی ۸۰۰ هزار تومان درآمد داشته است تا بتواند ۵ خواهر و برادرش را سیر کند، از اینجا بودن راضی است چون «خوش می‌گذرد». اگر در خیابان باید برای نان تلاش می‌کرد اینجا نانی هست و مهم‌تر از نان، بازی هم هست. بازی، رویای بیشتر این کودکان است که فرصت چندان‌ی برای کودکی نداشته‌اند. او می‌خواهد دکتر شود برای همین در کلاس ششم درس می‌خواند و درشش هم خوب است. صحبت‌هایمان که گل می‌اندازد، نه نه دلمش می‌خواهد به خانه و خیابان برگردد انگار از اینکه بقیه خواهر و برادرهایش در این شادی و بازی با او سهمی نیستند ناراحت است. اما روایت زندگی نور که ۱۵ روزه می‌شود به این مرکز آمده قدری متفاوت‌تر است، چون او چندان از مرکز خوشش نیامده، چون «از کار و زندگی افتادم». نور از همان کودکی است که شاید بارها در خیابان

مجتمع شوق زندگی بعثت، با بیان اینکه اولین کار ما شناسایی کودک است، می‌گوید: «جامعه هدف ما کودکان خیابان زیر ۱۸ سال و در موقعیت آسیب است. بعد از گشت‌هایی که به همراه مددکاران اجتماعی و مأمور فراجا انجام می‌دهیم، فرآیند جذب این کودکان انجام می‌شود. کودکی که جذب می‌شود یا اتباع است یا ایرانی، مددکاران به وسیله دستگاه عنبیه اطلاعات بچه را شناسایی می‌کنند. هویت بچه مشخص می‌شود، اطلاعات اولیه ثبت و بچه‌ها تفکیک می‌شوند. اگر خانواده داشته باشند مددکاران آنها را وارد چرخه حمایتی می‌کنند و اگر اتباع باشند به اداره اتباع اعلام می‌شود.» او در مورد فعالیت‌های مرکز شوق زندگی می‌گوید: «دستگاه‌های متولی همه پای کار آمده‌اند: حمایت‌های دادستانی، شهرداری و فراجا را در اینجا داریم و همه وظایف سازمانی خود را انجام می‌دهند و یک کار تیمی انجام می‌شود.» او در پاسخ به این سؤال که کودک اگر خانواده‌ای نداشته باشد چه اقدامی برای او انجام می‌شود، می‌گوید: «در مراکز نگهداری ۱۷ تا ۱۸ سال آنها را نگهداری می‌کنیم و اگر تشخیص دادیم باید به خانواده تحویل داده شوند آنها در کلاس‌های توانمندسازی مورد آموزش قرار می‌دهیم.» قیادی در مورد کودکانی که اسیر باندهای استفاده از کودکان برای کار شده‌اند نیز می‌گوید: «کودکانی که اسیر باندها می‌شوند، معمولاً اتباع زیر ۱۸ سال هستند، بیشتر آنها زباله‌گرد هستند یا در کارهایی که از نظر ما خطرناک است وارد شده‌اند؛ یعنی این کودکان بیشتر به دست همین باندها وارد می‌شوند و آنها کودک را مثلاً در سایت زباله قرار جذب کردیم و بعد از بررسی‌ها متوجه شدیم فردی پشت پرده از او سوءاستفاده می‌کند. پرونده قضایی تشکیل شد و پیگیری‌های قانونی انجام گرفت.» مدیر مرکز شوق زندگی بعثت درباره اینکه بسیاری از این بچه‌ها دوست دارند به خیابان برگردند و اگر بچه‌ها دوباره به من پول می‌دهند اینجا باید همین طوری ساز بزنم!» اینجا تعداد کودکان اتباع کم نیست، همراه سایر کودکان با دوست دارند به خیابان بازگردند چه اقدامی برای آنها انجام می‌شود؟ می‌گوید: «طبق دستور قضایی اگر کودک ایرانی باشد و دوباره جذب شود سازمان بهزیستی می‌تواند سلب حضانت بچه را از والدینش بگیرد. ما او را راکم اختیار اداریار قرار می‌دهیم و روند قضایی طی می‌شود.»

قیادی یکی از جاش‌های جدی در مسیر ساماندهی این کودکان را مدخل ناگاهانه برخی شهروندان می‌داند: «وقتی برای جذب کودک می‌رویم، برخی مردم که از واقعیت زندگی این بچه‌ها خبر ندارند با ما برخورد می‌کنند و می‌پرسند چرا کودک را می‌پرید؟ در حالی‌که ممکن است همین کودک در باوق شوش بخوابد، بدون سرپرست باشد، یا از او برای جابه‌جایی مواد استفاده شود. ما



«دستگاه‌های متولی همه پای کار آمده‌اند؛ حمایت‌های دادستانی،

شهرداری و فراجا را در اینجا داریم و همه وظایف سازمانی خود را انجام می‌دهند و یک کار تیمی انجام می‌شود.

در مراکز نگهداری ۱۷ تا ۱۸ سال آنها را نگهداری می‌کنیم و اگر تشخیص دادیم باید به خانواده تحویل داده شوند آنها

را در کلاس‌های توانمندسازی مورد آموزش قرار می‌دهیم.»

دارد معلول هزاران علتی است که در جامعه وجود دارد. بنابراین به این نتیجه رسیدیم‌ایم که به جای برخورد با کودک در خیابان، باید او را مورد حمایت قرار دهیم و به مراکز توانمندسازی هدایت کنیم.» خانواده‌محوری یکی از رویکردهای مورد تأکید سازمان بهزیستی کشور است. معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی در این باره می‌گوید: «مددکاران اجتماعی به دنبال شناسایی خانواده کودک هستند و در صورتی که خانواده شناسایی شود، کودک به خانواده تحویل داده می‌شود. همچنین از والدین تعهد گرفته می‌شود که کودک دیگر در صورت کار یا خیابان قرار نگیرد. در مورد نیازمندی یا وجود مشکلات معیشتی، خانواده وارد فرآیند حمایتی بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) خواهد شد. محمندی با اشاره به ساماندهی ۴ هزار کودک کار در موقعیت خیابان، تأکید می‌کند: «۸۵ درصد این کودکان را اتباع تشکیل می‌دهند.» به گفته او، اتباع دارای اقامت قانونی، همانند شهروندان ایرانی ساماندهی شده و خدمات حمایتی دریافت می‌کنند و ساماندهی اتباع غیرقانونی نیز از طریق اداره‌کل امور اتباع پیگیری و انجام می‌شود.

داریم او را از موقعیت آسیب درمی‌آوریم، اما گاهی با داد و فریاد روبه‌رو می‌شویم.» ساماندهی کودکان کار بدون همکاری نیروی انتظامی مقدور نبوده است؛ سرهنگ انتظامی میرمهدی هاشمی مسئول انتظامی ساماندهی کودکان کار در مرکز شوق زندگی بعثت، آموزش برخورد با کودکان را یکی از اصول اولیه کار در این حوزه عنوان می‌کند و با تأکید بر اینکه در مواجهه با کودک به هیچ عنوان از کلمات بازداشت و دستگیری استفاده نمی‌شود، می‌گوید: «تمام اقدامات ما با کمک مددکاران بهزیستی بدون هیچ تنش انجام می‌شود.» او در پاسخ به این سؤال که چه قدر در راستای کم شدن آسیب‌های این کودکان تلاش می‌کنید، می‌گوید: «برای اینکه هر جرم و بزه را کمتر کنیم، آموزش لازم است، در مدت قرنطینه صحبت‌های بسیاری در مورد بزه، جرم و باندها و گروه‌های خطرناک انجام می‌شود که تأثیر زیادی بر کودکان دارد.»

ساماندهی با مدل دوستدار کودک
علیرضا محمندی، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی استان تهران می‌گوید: «ما معتقدیم کودکی که در خیابان و سر چهارراه‌ها حضور

راه میانبر شوق زندگی



برش

«شوق زندگی» الگویی نوین در ارائه خدمات جامع به کودکان در وضعیت بحرانی با هدف شناسایی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. در استان تهران دو مرکز شوق زندگی قرار دارد، یکی شوق زندگی در شیرخورگاه‌آمنه که امور حسبی مربوط به کودکان و نوجوانان را بر عهده دارد و یکی مرکز شوق زندگی بعثت که در حوزه کودکان کار فعالیت می‌کند. امور حسبی مرتبط با کودکان و نوجوانان به اموری می‌گویند که نیاز به رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی دارند، اما به دلیل عدم وجود دعوی‌ا اختلاف، از طریق رسیدگی در قالب امور حسبی انجام می‌شود. اموری از قبیل معرفی قیم، تغییر حضانت، تغییر سرپرستی، اجازه ازدواج و اشتغال به کار، سپردن به خانواده جایگزین و حتی مراقبت از سلامت کودکان و نوجوانان از جمله امور حسبی هستند که از طریق دادگاه خانواده رسیدگی می‌شوند. دادگاه پس از بررسی وضعیت کودک یا نوجوان، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کند. این تصمیمات باید با توجه به مصلحت کودک یا نوجوان و با رعایت قوانین و مقررات مربوطه اعلام شود. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های مراکز شوق زندگی همکاری همزمان نهادهایی چون دادستانی، پزشکی قانونی، نیروی انتظامی، اداره اتباع و بهزیستی در یک مکان مشترک است. محمد نصیری، مدیرکل بهزیستی تهران می‌گوید: «در این مراکز تمام مراحل پذیرش، ارزیابی اولیه، مداخلات روانی-اجتماعی و ساماندهی کودک در کمتر از یک ساعت انجام می‌شود و این فرآیند چندماهه را در مدت تسهیل کرده است.» به گفته او، در مرکز شوق زندگی شیرخورگاه‌آمنه، کودکانی با شرایط دشوار زندگی اعم از بی‌سرپرست و بدسرپرست در سنین زیر ۱۸ سال پناه گرفته‌اند. روال کار به این صورت است که به محض ورود کودکان، آنها توسط روانشناس و پزشک قانونی ووزیت اولیه می‌شوند تا مورد کودک‌آزای قرار نگرفته باشند. سپس تیم‌های تخصصی روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و مراقبت مقیم، حتی مؤسسات مردم‌نهاد وارد می‌شوند تا پیوند کودکان با خانواده‌ها را چه در قالب بازگشت به خانواده اصلی و چه از مسیر فرزند‌خواندگی، پیگیری کنند، اموری که به گفته نصیری در گذشته باید در پیچ‌وخم دادگاه‌ها و پزشکی قانونی طی می‌شد، حالا شوق زندگی راه را کوتاه‌تر کرده است و دیگر نازی نیست که کودک فضاهایی مثل دادگاه را از نزدیک تجربه کند.

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم در گفت‌وگو با «ایران» بیان می‌کند پذیرش پس از سنجش، دانشگاه‌ها را سامان خواهد داد

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم در پاسخ به این پرسش که آیا با توجه به این تقاسیر شاهد افت کیفیت علمی دانشجویان هستیم، می‌گوید: «می‌توان در این زمینه به صورت کلی قضاوت کرد، مثلاً رقابت برای صندلی‌های شریف طبق قاعده مانند قبل است ولی در صندلی‌های خالی توسعه‌دهنده خود به خود کاهش کیفیت دانشجویی پذیرفته شده قابل مشاهده است.» او در توضیح اینکه تفکیک سنجش از پذیرش، می‌تواند سطح کیفی دانشجویان را بالا ببرد، می‌گوید: «ما یک مسأله مهم به نام تفکیک سنجش از پذیرش داریم. سنجش دانشجویان داشجو کارکرد دارد؛ اولین و مهم‌ترین کارکرد آن تشخیص شایستگی دانشجو است، یعنی بررسی می‌شود که آیا دانشجویی که پذیرفته شده، شایسته تحصیل در این رشته هست یا نه؟ حتی اگر صندلی خالی داریم، نباید دانشجویی که همه گزینه‌ها را منفی زده در رشته‌ای مانند مهندسی پذیرش کنیم.» نقی‌زاده با بیان اینکه زمانی که با بحران صندلی‌های خالی روبرو می‌شویم مسأله رقابت و رقابت‌های رقابت سنجش، ارزش خودش را از دست می‌دهد، می‌گوید: «وقتی این ارزش از بین برود، عملاً کارکردی ندارد و جز تعداد محدودی از صندلی‌ها، سایر صندلی‌ها قابل رقابت نیستند. به همین دلیل سنجش باید بتواند شایستگی افراد را بسنجد.»

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم با اشاره به تجربه کشورهای مختلف درباره تفکیک سنجش از پذیرش بیان می‌کند: «در بسیاری از کشورها برای اینکه چنین اتفاقی رخ ندهد، سنجش را از پذیرش جدا می‌کنند، به این شکل که یک سنجش انجام می‌شود تا کفایت و توانمندی‌های تحصیلی را به‌خصوص در تحصیلات تکمیلی بسنجند. سنجده می‌شود که آیا شخصی شایستگی لازم را برای تحصیل در مقطع دکترا دارد یا نه؟ کشورهای دیگر معمولاً آزمون‌های یکپارچه می‌گیرند، سپس نتیجه آن را ملأک قرار می‌دهند. وقتی دانشجو نمره مورد نظر را کسب می‌کند، وارد فرآیند پذیرش از طریق دانشگاه می‌شود. تفکیک پذیرش و سنجش در این زمینه‌ها می‌تواند در کشور ما نیز اتفاق بیفتد تا تحول بزرگی در حوزه آموزش عالی شاهد باشیم.» نقی‌زاده در پاسخ به این سؤال که تفکیک سنجش از پذیرش چه زمانی عملیاتی خواهد شد، می‌گوید: «طرحی که شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی ارائه شده که احتیاج به بررسی دارد و بعد باید به صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی برود. به نظر می‌رسد با توجه به تعداد صندلی‌های آموزش عالی و بحث تعداد دانشجویان متقاضی، چاره‌ای نداریم که به سمت تفکیک سنجش از پذیرش برویم.»

غزل رضایی تانی / جمعیت دانشجویی کشور یک میلیون نفر ریزش کرده است. این اتفاق با عبور دهه شصتی‌ها از فضای دانشگاهی رخ داده و گفته می‌شود آمار با توجه به ورود دانشجویان دهه ۷۰ و ۸۰ به دانشگاه‌های کشور، رو به کاهش است. مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، کاهش جمعیت دانشجویی را متأثر از ساختار جمعیتی کل کشور می‌داند. رضا نقی‌زاده در گفت‌وگو با «ایران» درباره کاهش دانشجویان در چند سال گذشته می‌گوید: «در یک دوره زمانی ما پیش از چهار میلیون نفر دانشجو داشتیم ولی به مرور این آمار کاهش یافت که دلیل عمده آن به ساختار جمعیتی کشور برمی‌گردد. در میان متولدین دهه شصت یک بیک جمعیتی داریم که آن بیک جمعیتی در دهه ۷۰ و ۸۰ تکرار نشد و در یک روند ثباتی قرار گرفت. این روبه باعث می‌شود خود به خود روی تعداد دانشجویان در دانشگاه‌ها تأثیر داشته باشد.»

نقی‌زاده درباره اینکه تعداد دانشجویان ثابت است، می‌گوید: «کاهش جمعیت دانشجویان با ورود نسل دهه ۷۰ و ۸۰ ادامه دارد، اما به نظر می‌رسد نسبتاً به یک ثبات در تعداد دانشجویان رسیده‌ایم، اگر شرایط آموزش عالی همین‌طور ادامه یابد، جمعیت دانشجویان در کشور ما عددی بین ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار نفر فرست، او خیل عظیم دانشجویان را مربوط به نسل دهه شصت می‌داند و می‌گوید: «به هر حال اعداد در سال‌های مختلف بالا و پایین می‌شود. در یک دوره زمانی به دلیل ورود دهه شصتی‌ها به دانشگاه، آمار دانشجویان قابل توجه بود اما مدتی است تقریباً یک میلیون نفر دانشجو، نسبت به ورودی‌های متولدین دهه ۶۰ کاهش داشته‌ایم.»

کاهش کیفیت دانشجویان

یکی دیگر از چالش‌های وزارت علوم تعداد زیاد صندلی‌ها نسبت به جمعیت دانشجویان است. نقی‌زاده درباره این موضوع توضیح می‌دهد: «در حال حاضر بحث کلیدی این است که ما در دهه ۸۰ تعداد زیادی صندلی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ایجاد کردیم اما اکنون آن رقابت لازم برای پر کردن صندلی‌ها وجود ندارد و با مسأله صندلی‌های خالی روبه‌رو هستیم. این موضوع به جای اینکه اثرش را روی فرهنگ پذیرش دانشجو بگذارد، عمده اثرش را در کیفیت ورودی دانشجویان گذاشته است. مثلاً قبلاً برای یک صندلی صد نفر رقابت می‌کردند. طبق قاعده، دانشجویانی که پذیرفته می‌شدند، با کیفیت‌تر بوده‌اند و وقتی که تعداد صندلی زیاد باشد، کیفیت هم کاهش می‌یابد.»



طبق آنچه از سازمان سنجش آموزش کشور پیگیری کردیم، دانشجوی ارشد که هنوز پایان نامه خود را ارائه نداده، صرفاً برای محک زدن خود می‌تواند در آزمون دکترا شرکت کند اما تا زمانی که نتایج آزمون دکترا مشخص نشده و مدرک ارشد را نگرفته، نمی‌تواند انتخاب رشته و در مصاحبه دکترا شرکت کند.

چند ساعت بعد از سروصدایی که حرف‌های بیرانوند در فضای مجازی به راه انداختن این فوتبالیست در صفحه اینستاگرامش استوری با این توضیحات منتشر کرد: «ضمن تأیید صحبت‌های جناب آقای سید امیرمحبوب مدیر کل محترم روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، بنده دانشجوی ترم آخر مقطع کارشناسی ارشد هستم و در آزمون ورودی مقطع دکتری ۱۴۰۴ شرکت نموده و بعد از اعلام نتایج اولیه موفق به پذیرش انتخاب رشته در دانشگاه آزاد اسلامی شده و در حال حاضر منتظر اعلام نتیجه انتخاب رشته می‌باشم.»

است که دانشگاه خرم‌آباد در مقطع دکترا رشته فیزیولوژی ندارد. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان لرستان و واحد خرم‌آباد در گفت‌وگو با «ایران» ادعا می‌برانوند را متناقض از وضعیت او در دانشگاه می‌داند. محمدرضا جابرانصاری درباره وضعیت تحصیلی علیرضا بیرانوند می‌گوید: «درباره مصاحبه‌ای که از بیرانوند در یک برنامه تلویزیونی پخش شد، می‌توان گفت تناقضات زیادی وجود دارد. در این زمینه دو سه نکته حائز اهمیت است؛ اول این را به اطلاع عموم می‌رسانم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد نه تنها در مقطع دکترا رشته فیزیولوژی ندارد بلکه هیچ یک از گرایش‌های تربیت‌بندی و علوم ورزشی را در مقطع دکترا ارائه نمی‌دهد. ولی ایشان ادعا کردند که من دانشجوی دکترا هستم، همین مسأله از لحاظ حقوقی قابل پیگیری است.»

به گفته رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد، بیرانوند در حال حاضر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته فیزیولوژی ورزشی در واحد خرم‌آباد است و حدود چهار سال است که مشغول به تحصیل بوده و هنوز از پایان نامه خود دفاع نکرده است. جابرانصاری در توضیح اینکه آزمون دکترا دانشگاه آزاد اسلامی به شکل سراسری توسط سازمان سنجش برگزار می‌شود، می‌گوید: «پس از برگزاری آزمون، نتایج اولیه به شکل عمومی برای همه در یک زمان مشخص اعلام خواهد شد، افرادی که مجاز می‌شوند می‌توانند انتخاب رشته کرده و سپس برای مصاحبه دکترا شرکت کنند. البته تا به امروز هنوز مصاحبه پذیرفته شدگان انجام

کروه اجتماعی / حرفه‌هایی که دوشنبه شب علیرضا بیرانوند در برنامه فوتبال برتر بیان کرد، ممکن است برایش دردسر ساز شود. «دانشجوی دکترا هستم ولی درباره‌اش صحبت نکنید.» این پاسخ علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم تراکتور به محمد حسین میثاقی مجری برنامه فوتبال برتر است. مجری او می‌پرسد وضعیت سربازی‌ات چگونه است؟ بیرانوند برای اینکه پاسخ روشنی از وضعیت سربازی‌اش ندهد، می‌گوید: «دانشجوی دکترا رشته فیزیولوژی در دانشگاه خرم‌آباد لرستان هستم ولی همان دکترا که دوست ندارم الان صحبتش را کنی و سؤال‌های عجیب و غریب بپرسی.» او می‌گوید، رفته کنکور دکترا دادم و نمی‌دانستم از قبل اسمی را روی برگه‌ها می‌نویسند و من دنبال جایی بودم که اسمم را روی برگه آزمون بنویسم، می‌خندد و می‌گوید مردم هم به خاطر همین کارهایم مرا دوست دارند. یک جزوه کامل امتحانی‌ام انگلیسی بود، من هم قبلاً یک معلم زبان انگلیسی گرفتم که به من زبان یاد بدهد اما او لری یاد گرفت. در آزمون دکترا همه سؤالات تستی بود و من پاسخ تست‌ها را با ده، بیست، سی، چهل دادم ولی خدا را شکر یک اتفاقی که برای من افتاد و خبری که به من دادند این بود که نمره منفی بالایی نگرفته‌ام، یعنی نمره‌ام خوب بوده است. در ادامه هم مجری باز می‌پرسد تراز شد یا ارائه دادی؟ بیرانوند هم می‌گوید بیا بریم بیرون باهم صحبت کنیم.

رشته فیزیولوژی در مقطع دکترا

نداریم

اما نکته مهمی که مطرح می‌شود این